نهضت ترجمه و پذیرش آثار ادیبان معاصر ایرانی در اتریش (ویراست اول)

۱ .درآمد: چرخش از فیلولوژی به فرهنگ‌شناسی

اگر ترجمه ادبیات کلاسیک فارسی در اتریش قرن نوزدهم را بتوان «ترجمه آرشیوی» نامید — کوششی آکادمیک برای حفظ میراث — ترجمه ادبیات معاصر ایران در قرن بیستم و بیست‌ویکم رویکردی متفاوت دارد. این حرکت پویا از ضرورت درک جامعه معاصر ایران، تحولات سیاسی-اجتماعی آن، و صداهای ادبی نوپدید زاده شده‌اند که از درون این جامعه برمی‌خیزند. در این مقاله سه دوره کلیدی بررسی می‌شود: ادبیات مدرنیستی پیش از انقلاب، ادبیات مهاجرت، و وضعیت امروز ناشران اتریشی.

۲ .صادق هدایت: اولین صدای ادبیات مدرن ایران در غرب

صادق هدایت (۱۷ فوریه ۱۹۰۳ – ۹ آوریل ۱۹۵۱) با خلق شاهکار ادبی خود «بوف کور» به نخستین نویسنده ایرانی بد شد که توانست توجه جدی محافل ادبی اروپا را به ادبیات داستانی ایران جلب کند. این اثر که در سال ۱۹۳۶ یا ۱۹۳۷ در بمبئی با شمارگان محدود ۵۰ نسخه و با مهر «برای فروش در ایران نیست» منتشر شد، امروز در شمار مهم‌ترین آثار ادبیات مدرن جهان قرار دارد[۱].

هدایت که در پاریس با آثار کافکا، ادگار آلن پو، چخوف و موپاسان آشنا شده بود، آمیزه‌ای از ادبیات مدرنیستی غربی و فرهنگ ایرانی-بودایی را در بوف کور پدید آورد. این اثر به زبان آلمانی نیز ترجمه شده و در کنار ترجمه فرانسوی روژه لکو (که بر اساس مقایسه تطبیقی، از ضعف‌های ترجمه‌شناختی و ساختاری مهمی رنج می برد) از نظر آکادمیک مورد بررسی قرار گرفته است[۲].

۳ .بزرگ علوی: روایت‌گر هجرت، معمار گفتگوی دو فرهنگ

بزرگ علوی (۱۹۰۴–۱۹۹۷) از معدود نویسندگان ایرانی بود که پیوندی ریشه دار و بی واسطه با دنیای آلمانی‌زبان داشت. وی سال‌ها در آلمان و سپس در جمهوری دموکراتیک آلمان زندگی و تدریس کرد. مهم‌ترین میراث زبان‌شناختی او همکاری با هاینریش یونکر در تألیف «فرهنگ فارسی-آلمانی» (Persisch-Deutsches Wörterbuch) بود که برای دهه‌ها به مرجع استاندارد و بی بدیل دانشگاه‌های آلمانی‌زبان تبدیل شد[۳].

تجربه علوی نشان می‌دهد که پیوند میان ادبیات ایران و قلمرو آلمانی‌زبان در قرن بیستم گاه از طریق خودِ نویسندگان ایرانی و نه صرفاً از طریق مترجمان اتریشی یا آلمانی شکل گرفته است. نویسندگانی که با هر دو فرهنگ از درون آشنا بودند و توانستند پل‌های ارتباطی اصیل تری بنا کنند.

۴ .ناشران اتریشی و ادبیات معاصر ایران

در دهه‌های اخیر، بازار نشر اتریش و ناشران مستقل در شهرهای وین و سالزبورگ نقش فعال هرچند محدود در معرفی ادبیات معاصر ایران داشته‌اند. ناشران مستقلی چون انتشارات (Residenz) رزیدنتس و دویتیش (Deuticke)، در برهه هایی آثاری از نویسندگان ایرانی را در مجموعه‌های خود گنجانده اند. این آثار عمدتاً شامل داستان کوتاه، رمان و شعر نویسندگان ایرانی مقیم خارج بوده که از منظر ادبیات مهاجرت تحلیل می‌شوند].[۴

با این حال، باید به صراحت گفت که پوشش ادبیات معاصر ایران در بازار نشر اتریش با وضعیت ایده آل فاصله دارد و با چالش های عمده ای رو به رو است. بارزترین چالش، فقدان مترجمان حرفه‌ای است که ضمن برخورداری است از دانش عمیق نسبت به زبان فارسی و آلمانی، شناخت عمیقی از فرهنگ و سنت های ادبی مبدأ و مقصد داشته باشند؛ مهارتی چند بعدی که امروزه بسیار کمیاب است.

۵ .نقد ادبی در مطبوعات اتریش

نشریات و رسانه های فرهنگی اتریش از جمله روزنامه Der Standard و مجله Falter به صورت پراکنده به معرفی و نقد آثاری از ادبیات معاصر ایران می پردازند، اما این پوشش هنوز به یک جریان مستمر و منظم و عمیق تبدیل نشده است. مهم‌تر اینکه، تصویر ادبیات معاصر ایران در مطبوعات اتریش اغلب تحت تأثیر پیش‌زمینه‌های سیاسی قرار دارد، به‌طوری‌که آثار حاوی مضامین اعتراضی آشکار یا بیانیه‌های صریح سیاسی شانس بیشتری برای دیده‌شدن در بخش نقد کتاب دارند و در مقابل، شاهکارهای روایی، رمان‌های روان‌شناختی و آثار غنایی که به واکاوی مفاهیم عمیق فلسفی، بومی و مضامین جهان‌شمول انسانی می‌پردازند، اغلب توسط این رسانه ها نادیده گرفته می شوند.

۶ .جمع‌بندی

جریان ترجمه ادبیات معاصر ایران در اتریش هنوز در مرحله توسعه است. برای پیشرفت واقعی، نیاز به سه اقدام است: کادرسازی و تربیت مترجمان متخصص فارسی-آلمانی با ایجاد کرسی های دانشگاهی و کارگاه های تخصصی،

برنامه‌های حمایتی مشترک ایران و اتریش برای ترجمه آثار ادبی، و توسعه همکاری میان ناشران دو کشور و ایجاد ارتباط مستقیم در بسترهایی چون نمایشگاه های بین المللی کتاب.

منابع و مآخذ:

- [1] Wikipedia: «The Blind Owl». en.wikipedia.org/wiki/The_Blind_Owl. — «Published in 1315 SH (1936 or 1937). Hedayat published it in mimeograph form in Bombay, marking it 'Not for sale in Iran.'»
- [2] Rastegar, Kamran: «A Nilufar by Any Other Name: The Implications of Reading Sadegh Hedayat in Translation». In: Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East, 2013. (در: Academia.edu).
- [3] Junker, Heinrich / Alavi, Bozorg: «Persisch-Deutsches Wörterbuch». Leipzig / Teheran: Harrassowitz / Kayhan, 1965. (و نسخ بازچاپ).
- [4] Stanišić, Vladimir: «Iranische Literatur in deutschsprachigen Verlagen: eine Übersicht». Wien, 2018. (منبع داخلی دانشگاهی).
- [5] Bauer, Roger: «Rezeptionsgeschichte iranischer Gegenwartsliteratur im deutschsprachigen Raum». München, 2010.